

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: در دفاع از کمونیسم
برگردان: آمادور نویدی
۳۱ اگست ۲۰۲۴

موضع شوروی در قبال فلسطین و تأسیس اسرائیل



اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ایجاد اسرائیل:

اظهارات آندری گرومیکو در مجمع عمومی سازمان ملل- ماه مه ۱۹۴۷

در ۱۴ ماه می ۱۹۴۷، آندری گرومیکو، نماینده اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد در مجمع عمومی سازمان ملل، در باره ایجاد کمیته ویژه فلسطین (UNSCOP) به صورت زیر اظهار نظر نمود:

بررسی گزارش کمیته نخست در باره ایجاد کمیته ویژه فلسطین (اسناد A/307 و A/307/Corr. 1)

بحث در جلسات مجمع عمومی و کمیته نخست، نشانگر آنست که مسأله فلسطین به یک مشکل حاد سیاسی مبدل گشته است. به نظر می رسد که این دیدگاه همه هیأت های نمایندگی کشورهای است که در این بحث شرکت کرده اند. نتیجه گیری با این واقعیت حمایت می شود که این مسأله توسط سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گیرد.

به هر حال، این واقعیت که مسأله فلسطین به موضوع بحث در مجمع عمومی تبدیل شده، نه فقط نشانگر آنست که این موضوع حادی است، بلکه مسؤولیت حل آن نیز به عهده سازمان ملل متحد است. این واقعیت ما را متعهد می کند که به دقت این موضوع را از هر زاویه ای مورد مطالعه دهیم؛ و بر مبنای اهداف و اصول سازمان مان و به نفع حفظ صلح و امنیت بین المللی اقدام نمائیم.

بحث نشانگر آنست که هیأت های نمایندگی شماری از کشورها بر این نظرند که تبادل نظر درباره جنبه های مهم مسأله فلسطین در این جلسه مفید بوده، حتی اگرچه این بحث، ناقص باشد، اما در مورد بعضی از جنبه های مهم این مسأله مفید بوده است. زیرا که در مرحله نخست، هیأت های نمایندگی را قادر ساخته تا دانش بهتری از حقایق مرتبط

به مسأله فلسطین کسب کنند، به ویژه، نسبت به وضعیتی که اکنون در آن کشور در جریان است. در مرحله بعد، گرچه چنین بحثی سرشت ابتدائی دارد، ولی وظیفه شناسائی عمل‌کردها و جهت‌گیری کار کمیته ای را روشن می‌کند که ما در حال ایجاد و تهیه پیشنهادات و هدف مفاد موضوع آن برای جلسه عادی مجمع عمومی هستیم.

در بحث در مورد مسأله فلسطین، حتی به شکل ابتدائی، و در بحث وظایف و عمل‌کردهای کمیته مذکور، ما نمی‌توانیم به این واقعیت مهم اشاره نکنیم که قبل از هر چیز، سیستم اجباری اداره فلسطین، که در سال ۱۹۲۲ ایجاد شده، حاکمیت بحقی نیست، زیرا که امتحان پس نداده است. بنابراین، مشکل بتوان بدرستی این نتیجه را به بحث گذاشت و آن را زیر سؤال برد. این واقعیتیست مشخص که اهداف تعیین شده در زمان ایجاد قیمومیت، تحقق نیافته است. بیانیه‌های رسمی نیز همراه با ایجاد سیستم اجباری اداره فلسطین، روی کاغذ باقی‌مانده و به واقعیت نپیوسته است. کل تاریخ اداره فلسطین این را اثبات می‌کند که سیستم اجباری اداره فلسطین خود را بحق نکرده است، و ناگفته نماند، وضعیتی که اینک در آن کشور به وجود آمده، این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند.

بهبترست که در این مورد، یادآوری شود که کمیسیون پیل (Peel) بریتانیا در سال ۱۹۳۷، بعد از بررسی وضعیت فلسطین، اعلام نمود که انجام این قیمومیت غیرممکن است. نتیجه‌گیری مشابهی نیز توسط حکم کمیسیون دائمی لیگ ملل (The Permanent Mandates Commission of the League of Nations) به دست آمد، که به «عدم امکان» اجرای قیمومیت فلسطین نیز اشاره نموده است. کمیته ای که ما در حال تشکیل آنیم، باید واقعیت‌های تاریخی مرتبط با این مسأله را در نظر بگیرد.

جهت تأیید ورشکستگی این سیستم می‌توان بسیاری از واقعیت‌های دیگر مرتبط با تاریخ اداره اجباری فلسطین را نمونه آورد.

به هر حال، ضرورت دارد که این واقعیت‌ها را با جزئیات در نظر بگیریم. جهت نمونه، در این مورد کافیست که شورش بومیان فلسطینی عرب در سال ۱۹۳۶ را ذکر کنیم که تا چندین سال دامه یافت. در ارتباط با وضعیت کنونی فلسطین، حقایق کافی جهت تأیید نتیجه‌گیری مزبور هم وجود دارد. همه ما از حوادث خونینی که در فلسطین اتفاق می‌افتد، آگاهیم. چنین حوادثی روز به روز، بیش‌تر و بیش‌تر تکرار می‌شوند.

از این‌رو، این حوادث، توجه بیش‌تر مردم دنیا و مهم‌تر از همه، سازمان ملل متحد را به خود جلب کرده و می‌کند. مجمع عمومی سازمان ملل، این وضعیت را ناشی از نتیجه مستقیم ورشکستگی سیستم اجباری اداره فلسطین می‌داند، که منجر به تشدید حوادث خونین در فلسطین شده است. این واقعیت که خود دولت پادشاهی انگلیس این موضوع را جهت بررسی به مجمع عمومی ارائه نموده، بشدت نشان‌گر وضعیت وخیم آن‌جاست. این واقعیت فقط به عنوان اعترافی در نظر گرفته می‌شود که ادامه وضعیت موجود در فلسطین غیرممکن است. کمیته ویژه باید وضعیت کنونی فلسطین را به دقت مطالعه کند.

گفته شده که نمایندگان دولت پادشاهی انگلیس در زمان‌های مختلفی، حتی پیش از تسلیم این مسأله به مجمع عمومی، اعلام کرده بود که سیستم اجباری اداره فلسطین خود را توجیه نکرده است و حل مسأله و چگونگی برخورد با فلسطین باید از طریق سازمان ملل مشخص شود. جهت نمونه، آقای بیون (Bevin)، بیانیه زیر را در مجلس عوام در ۱۸ فیبروری ۱۹۴۷ اظهار نمود:

«ما بر آنیم که شرح تاریخی نحوه قیمومیت را به [سازمان ملل] ارائه دهیم و این که دولت پادشاهی انگلیس، اعتمادی را که در طی بیست و پنج سال گذشته در فلسطین داشته، از دست داده است. ما توضیح می‌دهیم که این

قیمومیت در عمل ثابت نموده که کارائی ندارد و وخامت روابط دو ملیت در فلسطین، نشانگر آشتی ناپذیری آنان است.»

این بیانیۀ وزیر خارجه دولت پادشاهی انگلیس، مستقیماً و آشکاراً وضعیت واقعی را برسمیت می شناسد که ناشی از اداره اجباری فلسطین است. این اعترافیست به این که سیستم اجباری اداره فلسطین نتوانسته مسأله متقابل روابط مابین بومیان فلسطینی عرب و یهودی ها را - که یکی از مهم ترین و حادث ترین مشکلاتست، حل کند و این که سیستم مذکور به اهداف تعیین شده زمان ایجاد آن دست نیافته است.

آن گونه که آقای بیون (Bevin) تأکید نموده، شکل موجود دولت، هم برای بومیان فلسطینی عرب، و هم برای یهودی ها قابل قبول نبوده، و هر دوی آنها علیه سیستم موجود اعتراض می کنند. این سیستم هرگز از پشتیبانی مردم بومی فلسطینی عرب برخوردار نبوده و نیست؛ و بدون چنین حمایتی، ادامه وضعیت موجود، فقط می تواند منجر به مشکلات و پیچیدگی های بیش تری گردد.

باتوجه به طرز برخورد مردم بومی فلسطینی عرب و یهودی نسبت به سیستم اجباری اداره فلسطین، وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس عوام در ۲۶ فبروری ۱۹۴۷ اظهار نمود، دولت فلسطین که با وظیفه بسیار مشکلی روبه رو بوده، نتوانسته از حمایت مردم برخوردار گردد، و در معرض انتقاد دو ملت قرار گرفته است.

این کمیته ای که ما می خواهیم ایجاد کنیم، نمی تواند موضع خود دولت پادشاهی انگلیس درباره نتایج اداره اجباری فلسطین را نادیده بگیرد.

آشکارست که نه فقط دولت پادشاهی انگلیس به این نتیجه مذکور رسیده، بل که جهت نمونه، کمیته به اصطلاح استعلام انگلو-امریکائی در سال ۱۹۴۶ نیز به این نتیجه رسیده که در واقع مشابه است. گزارش کمیته درباره وضعیت فلسطین کنونی به شرح زیرست:

« فلسطین کمپی است مسلح. ما نشانه هایی از این امر را تقریباً به محض عبور از مرز مشاهده نمودیم و هر روز، بیشتر و بیشتر متوجه فضای متشنج می شدیم. بسیاری از ساختمان ها سیم خاردار و برخی ها وسایل دفاعی داشتند. خودمان از نزدیک توسط پولیس مسلح محافظت می شدیم. اغلب با ماشین های زرهی اسکورت می شدیم ... در سراسر کشور به طور قابل توجهی ایستگاه های بازرسی پولیس ساخته شده است.»

این تعریف کمیته آنگلو-امریکائی از موقعیت فلسطین است. این توضیح، نشانه دیگری از نتایج اداره سیستم اجباری فلسطین است. فلسطین، همان گونه که کمیته مذکور می گوید، به «یک کمپ مسلح تبدیل شده»، حقیقتیست که گویای وضعیت موجودست. در چنین اوضاعی، نمی توان در دفاع از منافع مردم فلسطین، درباره بهبود شرایط مادی موجود، و یا ارتقای سطح فرهنگی آن بحث های جدی نمود.

همین کمیته مذکور به حقایق جالب زیر اشاره نموده است:

« در سال ۱۹۴۵، تعداد کل افراد تمام وقت شاغل در اداره پولیس و زندان به ۱۵۰۰۰ نفر رسیده است. این رقم بسیار گویاست، و توضیح می دهد که ما چه بودجه قابل توجهی هزینه می کنیم، که باری بر دوش جمعیت خودمان است، به عبارت دیگر، این بودجه باید جهت توسعه منافع اقتصادی و فرهنگی و به نفع مردم کشورمان مورد استفاده قرار گیرد.»

نمونه دیگر:

«در سال ۱۹۴۵-۱۹۴۴، جهت حفظ «نظم و قانون»، مبلغ ۱۸ میلیون و ۴۰۰ هزار دالر هزینه شده است. در همان سال مالی، فقط ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار دالر جهت مراقبت‌های بهداشتی و ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار دالر جهت آموزش و پرورش هزینه شده است».

با استناد به این ارقام، کمیته آنگلو- امریکائی به نتیجه مفید زیر رسیده است:

«در نتیجه، حتی از نقطه نظر بودجه، فلسطین به یک دولت نیمه-نظامی یا پولیسی توسعه یافته است.»

واقعیت‌های مذکور از گزارش کمیته استعلام آنگلو- امریکائی در مورد فلسطین، و در توصیف شرایط حاکم بر آن قابل‌توجه است و باید ما را جهت مطالعه جدی چگونگی اصلاح وضعیت موجود و پیدایش راه حل مسأله فلسطین به‌گونه‌ای رهنمون نماید که منطبق با منافع جمعیت آن و همچنین منافع عمومی سازمان ملل باشد. کمیته ویژه باید به سازمان ملل کمک کند تا با مطالعه وضعیت واقعی فلسطین، هرچه زودتر به چنین راه حلی برسد.

باتوجه به وضعیت حاکم بر فلسطین، تعجبی ندارد که هر دو، یهودی‌ها و بومیان فلسطینی عرب، خواهان خاتمه قیمومیت دولت پادشاهی انگلیس باشند؟

آن‌ها در این مورد کاملاً موافقت و بین آن‌ها هیچ اختلافی وجود ندارد. سازمان ملل باید هنگام مطالعه مسأله آینده فلسطین، این واقعیت را در نظر بگیرد.

در مذاکرات وظیفه کمیته ویژه جهت تهیه پیشنهادات در مورد فلسطین، ما باید جنبه مهم دیگری از این مسأله را به حساب بیاوریم.

همان‌گونه که ما مطلعیم، آرزوهای قابل‌توجهی از جمعیت یهودی با آینده مسأله فلسطین و اداره آن مرتبط است. این امر نیازی به اثبات ندارد. از این‌رو، تعجبی هم ندارد که هر دو، مجمع عمومی و اولین کمیته ارائه شده، توجه زیادی به این مسأله شده است، که قابل فهم و کاملاً موجه است.

یهودی‌ها در جنگ گذشته (جنگ جهانی دوم) متحمل درد و رنج فراوانی شده اند. درد و رنجی که بدون اغراق توصیف‌ناپذیر است. توصیف ساده آمار یهودی‌های قربانی فاشیست‌های متجاوز دشوار است. یهودی‌هایی که در سرزمین‌های تحت سلطه هیتلری‌ها بودند، تقریباً در معرض نابودی فزونی کامل قرار داشتند. شمار کل یهودی‌هایی که توسط رژیم‌های نازی کشته شدند، تقریباً شش میلیون تخمین زده شده است. تعداد بازماندگان یهودی اروپای غربی فقط حدود یک و نیم میلیون است. گرچه این ارقام ایده ای از شمار یهودی‌های قربانی فاشیست‌های متجاوز به دست می‌دهد، اما هیچ ایده ای از رنج‌هایی که شمار زیادی از یهودی‌ها پس از جنگ با آن روبه رو شده اند، ارائه نمی‌دهد. شمار قابل‌توجهی از بازماندگان یهودی اروپا از کشور، خانه و کاشانه و ابزار زندگی‌شان محروم شده اند. صدها هزار یهودی در کشورهای مختلف اروپا در جست‌وجوی ابزار زندگی، خانه و کاشانه سرگردان شده اند. شمار زیادی از آن‌ها در اردوگاه‌های آوارگانند و هنوز هم محرومیت‌های زیادی دارند.

توجه ما به این محرومیت‌ها به ویژه توسط نماینده آژانس یهود جلب شد که در نخستین کمیته در موردش شنیدیم.

ممکن است سؤال شود که آیا سازمان ملل متحد، با توجه به شرایط اسفناک صدها هزار جمعیت یهودی جان سالم بدر برده، نمی‌تواند علاقه ای به وضعیت این مردم نشان دهد که از کشور و خانه و کاشانه‌شان سرگردان شده اند؟ سازمان ملل متحد نمی‌تواند و نباید نسبت به این وضعیت بی‌تفاوت بماند، زیرا این امر ناقض اصول والای علناً اعلام شده منشور آنست، که فارغ از نژاد، مذهب یا جنسیت، از حقوق بشر دفاع می‌کند. وقتش رسیده که به این مردم

کمک شود، نه با حرف، بلکه با عمل. این وظیفه سازمان ملل است که نیازهای ضروری این مردم را در نظر بگیرد، زیرا که رنج بزرگ آنها ناشی از تحمیل جنگ المان هیتلری است..

با توجه به نیاز آشکار یهودی‌هایی که بی‌خانه و کاشانه و ابزار زندگی شده‌اند، هیأت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بر این باور است که در این زمینه ضروری است که توجه مجمع عمومی را به شرایط مهم زیر جلب کند: تجربه گذشته، به ویژه طی جنگ جهانی دوم، نشان‌گر آن است که هیچ کشور اروپائی نتوانسته است در برابر خشونت هیتلری‌ها و متحدان‌شان کمک مناسبی به یهودی‌ها در دفاع از حقوق و زندگی‌شان ارائه دهد.. این یک حقیقت تلخ است، اما مانند بقیه حقایق دیگر، باید بدان اعتراف نمود.

این حقیقت که هیچ کشور اروپائی قادر به تضمین دفاع از حقوق اولیه یهودی‌ها نبوده، و نتوانسته از آنها در برابر خشونت دژخیم‌های فاشیست حمایت کند، اشتیاق یهودی‌ها جهت تأسیس کشور خودشان را توضیح می‌دهد. این عادلانه نیست که به این امر توجه نکنیم و حق یهودی‌ها جهت تحقق این آرزو را انکار کنیم. این عادلانه نیست که این حق یهودی‌ها را انکار کنیم، بویژه با توجه به همه مصیبت‌هایی که در جنگ جهانی دوم متحمل شده‌اند. متعاقباً، وظیفه مهم کمیته ویژه باید مطالعه این جنبه از مسأله و تهیه پیشنهادات مناسب باشد.

حال می‌پردازم به یک مسأله اساسی مرتبط با بحث وظایف و قدرت کمیته ای که قرار است ایجاد کنیم، یعنی، مسأله آینده فلسطین. واضح است که درباره آینده فلسطین و تصمیم یهودی‌ها در ارتباط با مسأله فلسطین طرح‌های مختلفی وجود دارد. به‌ویژه، چندین طرح پیشنهادی مرتبط با این مسأله بوسیله کمیته استعلام انگلو-امریکائی درباره فلسطین ارائه شده که من به آنها اشاره می‌کنم. در میان طرح‌های بهتر ارائه شده جهت مسأله اداره آینده فلسطین، مایلیم موارد زیر را ذکر کنم.

۱) تأسیس یک دولت واحد از بومیان فلسطینی عرب-یهودی، با حقوق برابر برای هر دو؛

۲) تقسیم فلسطین به دو دولت مستقل، یکی برای بومیان فلسطینی عرب و دیگری برای یهودی‌ها؛

۳) تأسیس یک دولت عربی در فلسطین، بدون در نظر گرفتن حقوق جمعیت یهودی؛

۴) تأسیس یک دولت یهودی در فلسطین، بدون در نظر گرفتن حقوق بومیان فلسطینی عرب.

جهت تنظیم روابط مابین بومیان فلسطینی عرب و یهودی‌ها، هر کدام از این چهار طرح اساسی،، به‌نوبه خود، حاوی اختلافات مختلفی و حل مشکلات دیگری است.

فعلاً به جزئیات تجزیه و تحلیل همه این طرح‌ها نمی‌پردازم. اتحاد شوروی موقعی موضع خود را اعلام می‌کند که طرح‌های مختلف با جزئیات بیشتر و پیشنهادات قطعی، ارائه و در نظر گرفته شده باشد، به‌ویژه وقتی که تصمیمات درباره آینده فلسطین گرفته شده باشد. اینک در این زمینه به چند نکته درباره سرشت طرح‌های پیشنهادی از نقطه نظر تعریف وظایف کمیته بسنده می‌کنم.

در تجزیه و تحلیل طرح‌های مختلف جهت مسأله آینده فلسطین، پیش از هر چیز لازم است که جنبه‌های خاص این مسأله را در نظر داشته باشیم. ضروری است که به این واقعیت مسلم توجه کنیم که جمعیت فلسطین شامل دو ملت (بومیان فلسطینی عرب) و یهودی‌ها است، هر دو در فلسطین ریشه‌های تاریخی دارند. فلسطین کشور هر دو ملت شده است، و هر کدام نقشی مهم در اقتصاد و زندگی فرهنگی این کشور دارد.

برای هر دو ملت، نه گذشته تاریخی و نه شرایط کنونی حاکم بر فلسطین نمی‌تواند توجیه‌گر راه حلی یک‌جانبه جهت مسأله فلسطین، به‌نفع تأسیس یک کشور مستقل عربی، بدون توجه به حقوق قانونی یهودی‌ها باشد، یا به‌نفع تأسیس یک کشور مستقل یهودی، که حقوق قانونی جمعیت بومی فلسطینی عرب را انکار کند. هیچ‌کدام از این

تصمیم‌های یک‌طرفه و افراطی نمی‌تواند راه حلی منصفانه جهت حل این مشکل بغرنج باشد، به‌ویژه که هیچ‌کدام تضمین‌کننده مهم‌ترین وظیفه حل روابط بین بومیان فلسطینی عرب و یهودی‌ها نیست.

یگانه راه حل منصفانه زمانی حاصل می‌شود که به منافع قانونی هر دو ملت، توجه کافی مبذول گردد. همه این موارد هیأت نمایندگی شوروی را به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌کند که راه حلی که بتواند منافع قانونی هر دو جمعیت یهودی و بومیان فلسطینی عرب را در نظر بگیرد، تنها از طریق تأسیس کشوری‌ست واحد، مستقل، و دمکراتیک، تا از هر دو ملیت حمایت شود. چنین کشوری باید براساس برابری حقوق جمعیت‌های یهودی و بومیان فلسطینی عرب باش، تا شالوده همکاری بین هر دو طرف را بهتر، و متقابلاً به‌نفع یکدیگر بنا نهد. معروف است که این طرح جهت حل مسأله آینده فلسطین در خود فلسطین حامیانی دارد.

نه فقط تاریخ معاصر نمونه‌هایی از تبعیض نژادی و مذهبی را ارائه می‌دهد، بلکه متأسفانه، این امر هنوز هم در بعضی از کشورها وجود دارد، اما همچنین نمونه‌هایی از همزیستی صلح‌آمیز ملیت‌های مختلف در چارچوب یک کشور واحد ارائه می‌دهد که هر ملتی در مسیر همکاری و مشارکت در کار و استعدادهایش جهت منافع مشترک همه مردم امکانات نامحدودی دارد.

با توجه به نمونه‌های موجود چنین همزیستی مسالمت‌آمیز و مشارکت برادرانه میان ملیت‌های مختلف در یک کشور واحد، آیا واضح نیست که مقرون به‌صرفه است که این امر را در تصمیم‌گیری درباره مسأله آینده فلسطین در نظر بگیریم؟

در نتیجه، حل مسأله فلسطین با تأسیس کشور واحد عربی و یهودی، با حقوق برابر بومیان فلسطینی عرب و یهودی‌ها را می‌توان یکی از احتمالات و یکی از راه‌های حل این مشکل بغرنج در نظر گرفت. چنین راه‌حلی جهت مسأله آینده فلسطین می‌تواند زیربنای محکمی جهت همزیستی و همکاری صلح‌آمیز جمعیت بومیان فلسطینی عرب و یهودی، به‌نفع هر دو ملت و به‌نفع کل جمعیت فلسطین و صلح و امنیت خاور نزدیک باشد.

چنانچه این طرح ثابت کند که اجرای آن، با توجه به وخامت روابط مابین یهودی‌ها و بومیان فلسطینی عرب غیرممکن‌ست - خیلی مهم است بدانیم که نظر کمیته ویژه در باره این موضوع چیست. متعاقباً ضرورت دارد که طرح دوم در نظر گرفته شود که، مانند طرح اول، حامیانش را در خود فلسطین دارد، و این‌که فلسطین به دو کشور خودمختار، یکی برای یهودی‌ها و دیگری برای مردم بومی فلسطینی عرب تقسیم شود.

باز هم تکرار می‌کنم که چنین راه حلی جهت مسأله فلسطین تنها زمانی توجیه‌پذیرست که روابط مابین جمعیت‌های یهودی و بومیان عرب فلسطینی ثابت کند آن‌قدر وخیم شده باشد که مصالحه و تضمین همزیستی صلح‌آمیز آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

البته، کمیته ویژه باید هر دو طرح احتمالی جهت حل مسأله آینده فلسطین را به‌دقت مطالعه کند. وظیفه کمیته باید بحث چندجانبه و دقیق درباره طرح‌های اداره فلسطین باشد، که در جلسه عادی آینده مجمع عمومی، به‌خوبی در نظر گرفته و سنجیده شود، و پیشنهادات مستدلی ارائه دهد، تا بدین‌گونه به سازمان ملل کمک کند که یک راه حل منصفانه جهت حل این مسأله، منطبق با منافع مردم فلسطین، منافع سازمان ملل و منافع مشترک ما در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارائه دهد.

در این مرحله نخست، نماینده شوروی، این ملاحظات را جهت رسیدگی و بررسی مسأله فلسطین ضروری می‌داند.

برگرداننده شده از:

USSR and the creation of Israel: Remarks by Andrei Gromyko at the UN General Assembly — May 1947

<https://www.idcommunism.com/2024/06/>

[ussr-and-creation-of-israel-remarks-by-andrei-gromyko-at-the-un-general-assembly-may-1947.html](https://www.idcommunism.com/2024/06/ussr-and-creation-of-israel-remarks-by-andrei-gromyko-at-the-un-general-assembly-may-1947.html)